نقد کوتاه
ویژه‌نامهٔ روزانهٔ سی و نهمین جشنواره بین‌المللی
فیلم کوتاه تهران
شماره ششم
سردبیر: سعید هاشم‌زاده

این شماره
به قلم
رامتین شهبازی
پرویز جاهد
احسان طهماسبی
فاطمه ترکاشوند

ژانر جنایی

چاقوکشی

پدرخوانده

۱

| رامتین شهبازی |

بخش سوم

ژانر در فیلم کوتاه؛ آگاهی بر مؤلفه‌های ژنریک

در مطالعات سینمایی از سویی مؤلفه‌های ژنریک تلفیق‌شده در فیلم‌ها وجود داشت و از سویی دیگر هر فیلمسازی با زبانی خودویژه توانست به تلفیقی تازه از این ژانرها دست یابد. در زمینهٔ فیلم کوتاه این داستان کمی پیچیده‌تر است. در بین فیلمسازان فیلم کوتاه، پذیرش مؤلفه‌های ژنریک کمی دشوار به‌نظر می‌رسد و این درحالیست که در جهان جشنوارهٔ معتبری وجود دارند که می‌کوشند اتفاقا با ارائهٔ طرحواره‌های ژنریک به ژانری‌شدن این نوع فیلم‌ها یاری رسانند. در طول سالیان برگزاری جشنواره‌ی فیلم کوتاه تهران، فیلمسازانی بوده‌اند که نسبت به تولید فیلم‌های ژانری از خود علاقمندی‌هایی نشان داده‌اند. اگرچه این نکته که درکدام ژانرها موفق بوده‌اند خود نیازمند یک بررسی پژوهشی است، اما درهرحال هر یک از این ژانرها می‌تواند زمینه و سبب‌ساز تنوع باشد. از سویی دیگر توجه به درهم‌آمیزی ژانرها نیز در این میان نباید مغفول واقع شود. آنجاست که فیلم کوتاه در سینمای ایران می‌تواند به همانندی با آنچه در سینمای جهان رواج دارد دست یابد.

البته این نکته و توجه به فیلم‌های ژانری در فیلم کوتاه را نباید فقط در انجمن سینمای جوانان ایران و جشنواره‌ی فیلم کوتاه جست‌وجو کرد، بلکه دانشگاه‌ها نیز باید به این مهم همت گمارده تا بتوان از پس یک آموزش سینمایی مناسب، جوانان علاقمند را با این حوزه بیشتر آشنا کرد. هم‌اکنون درسی با عنوان ژانر در دانشگاه‌های سینمایی وجود ندارد و باید این عنوان با شرح درسی به‌روز به برنامه‌های درسی افزوده شود.

علاقمندان سینما بیشتر بر اساس آنچه جریان روز سینما قرار دارد، چندان خودجوش به سمت این ژانرها نمی‌روند. بنابراین انجمن سینمای جوانان ایران در این زمینه می‌تواند طرح بحث اولیه را ایجاد نماید تا از پس آن پژوهش‌های آتی شکل گرفته و از دل آن این امکان‌ها و محدودیت‌ها بیش از پیش خود را نمایان سازد.

راهنمای ژانر جنایی

داستان این ژانر از فیلم‌ها، بر جنایتی به خصوص یا یک سلسله اعمال مجرمانه متمرکز است. سارقان، گانگسترها، آدمکش‌ها و قاتل‌های سریالی به همراه پلیس‌ها، کارآگاه‌ها و دیگر مأموران اجرای قانون شخصیت‌های اصلی این ژانر هستند.

انواع فیلم‌های جنایی

- **فیلم‌های گانگستری:** این زیرژانر از همان ابتدا، پرطرفدار بوده است. این فیلم‌ها دنیای جرم‌های سازمان‌یافته را نشان می‌دهند و بر فعالیت‌هایی که گانگسترها درگیرشان هستند تمرکز می‌کنند. *رفقای خوب*، سه‌گانهٔ *پدرخوانده* و *صورت‌زخمی* از نمونه‌های اصیل فیلم‌های گانگستری هستند.

- **فیلم‌های زندان:** این زیرژانر شرایط سخت زندگی زندانیان را کندوکاو می‌کند. بعضی از این فیلم‌ها مشکلات و سختی‌هایی را نشان می‌دهند که مجرم‌های سابق، برای وفق دادن خود با زندگی خارج از زندان، با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند. مخاطبان همچنین بلافاصله با زندانی‌ای که به اشتباه محکوم شده است، همذات‌پنداری می‌کنند. *رستگاری در شاوشنک* و *مسیر سبز*، مثال‌هایی از این زیرژانر هستند.

- **فیلم‌های کمدی-جنایی:** در این زیرژانر ترکیبی، ما خلافکاران را در حال انجام دادن فعالیت‌های مجرمانه می‌بینیم؛ اما اتفاقاتی که رخ می‌دهند، به شکل طنزآمیزی نمایش داده می‌شوند. در این فیلم‌ها، مجرمان غالباً همراه اموال دزدی فرار می‌کنند! اما مغزهای پشت عمل مجرمانه با دردسری روبه‌رو می‌شوند که پیش‌بینی‌اش را نکرده بودند. *ماهی‌ای به نام وندا* (۱۹۸۸) از فیلم‌های این زیرژانر است.

- **فیلم‌های کارآگاهی:** این فیلم‌ها داستان کارآگاهان و روش‌های مورد استفادهٔ آن‌ها برای حل جنایات را دنبال می‌کنند. *قتل در قطار سریع‌السیر شرق* (۱۹۷۴) که براساس کتابی نوشتهٔ آگاتا کریستی است، مثال خوبی برای این زیرژانر است.

- **فیلم‌های کیپر (Caper):** این زیرژانر روی گروهی از تبهکاران، که نقشه یک سرقت یا کار دیگر را می‌کشند، تمرکز دارد. معمولاً این فیلم‌ها نسبت به دیگر ژانرهای جنایی، کمتر جدی و بیشتر فکاهی هستند. از کیپرها می‌توان *یازده یار اوشن* و *بیبی راننده* را مثال زد.

۲

انتظارات تماشاگران از ژانر جنایی

- تیراندازی، خشونت و ترفندهای بی‌رحمانه، صحنه‌های دادگاه، توجه به قانون به عنوان عامل خوب یا بد (بسته به جایگاه قهرمان)، مجازات شدن آدم‌های بد برای اعمالشان

- **فیلم‌های سرقتی:** فیلم‌های سرقتی با مجرمانی که در تلاشند تا چیز باارزشی را بدزدند، تعریف می‌شوند و معمولاً جدی‌تر از فیلم‌های کیپر هستند. *مخمصه* و *امتیاز* فیلم‌هایی از این قبیلند.

- **فیلم‌های پلیسی:** این زیرژانر پلیس‌هایی که با جرم و جنایتکاران درگیر هستند را دنبال می‌کند. پایان کشیک و پلیس‌های بورلی هیلز مثال‌هایی برای فیلم‌های پلیسی هستند.

- **فیلم‌های دادگاهی:** همانطور که از اسم این زیرژانر مشخص است، این نوع فیلم‌ها ایجاب می‌کنند که داستان حول اتفاقات مرتبط با دادگاه و پرونده‌ها بچرخد. *زمانی برای کشتن* و *چند مرد خوب*، از فیلم‌های دادگاهی محسوب می‌شوند.

فیلم‌های جنایی اولیه تا زمان آغاز سینمای ناطق

فیلم‌های جنایی، یکی از ماندگارترین و پرطرفدارترین ژانرهای فیلم است و شکل‌گیریشان به روزهای اولیهٔ سینما در دوران صامت بازمی‌گردد. در حقیقت، فیلم کوتاه صامت ادوین اس. پورتر، *سرقت بزرگ قطار* (۱۹۰۳)، یک داستان سرقت و فیلم تعقیب و گریز کلاسیک به حساب می‌آید.

احتمالاً قدیمی‌ترین فیلم جنایی، *شرلوک هلمز سردرگم* (۱۹۰۰)، یک فیلم کوتاه ۴۵ ثانیه‌ای بود که در سال ۱۹۰۳ به وسیلهٔ شهرفرنگ‌ها، در گذرگاه‌های تفریحی، در هر نوبت به یک نفر نمایش داده می‌شد. همچنین اولین فیلمی محسوب می‌شود که شخصیت شرلوک هلمز را نشان داده است. داستان این فیلم دربارهٔ کارآگاه مشهور آرتور کانن دویل است که وقتی غیب شدن جادویی یک سارق سیاه‌پوش با کیسه طلا (که از طریق شگردهای عکاسی اتفاق می‌افتد) را می‌بیند، سردرگم و گیج می‌شود. *ماجراهای شرلوک هلمز* (۱۹۰۵) نیز ـ از آنجایی که این فیلم برای مخاطبان تماشاخانه ساخته شده بود و نه برای موتوسکوپ تک نفره (البته اکنون جز فیلم‌های گمشده است)ـ اولین فیلم از سری فیلم‌های شرلوک هلمز محسوب می‌شود.

یکی از اولین فیلم‌هایی که به‌طور رسمی، آغاز ژانر جنایی را تعیین کرد، *The Musketeers of Pig Alley* (۱۹۱۲) اثر دیوید وارک گریفیث، دربارهٔ جنایت سازمان‌یافته است. این فیلم اولین فیلم گنگستری‌ای که تا به حال ساخته شده، نیست؛ اما اولین فیلم گنگستری قابل توجهی است که تا به حال باقی مانده است. سکانس‌های بیرونی این فیلم در پاتوق تبهکاران بخش جنوب شرقی نیویورک در کنار آپارتمان‌های محلات کثیف، با گروه بازیگرانی که احتمالاً جزو اعضای گروه تبهکاری بودند، فیلمبرداری شده است.

سریال کارگردان فرانسوی، لویی فویاد، به نام *فانتوماس* (۱۹۱۴-۱۹۱۳) نیز که باعث محبوبیت سریال‌های جنایی شد، داستان اَبَرجنایتکاری به نام فانتوماس را، با بازی رنه ناوار، نشان می‌داد. این اثر که براساس رمانی از مارسل الین و پیر سووستر ساخته شده بود، به‌صورت پنج فیلم مجزا و هر کدام به مدت تقریباً یک ساعت، پخش شدند. دیگر شخصیت‌های این اثر، بازرسی به نام جوو و روزنامه‌نگاری به نام فندور بودند که برای از میان بردن یک رذل بزرگ، استاد تغییر چهره که مرتکب سرقت هویت و قتل شده بود، تلاش می‌کردند. *ژودکس* (۱۹۱۶)، فیلم دیگر فویاد، از دیگر فیلم‌های سریالی پرطرفداری بود که یک خلافکار زن را به نمایش گذاشت.

اولین فیلم بلند رائول والش، درامای جنایی صامتی به نام *باز زایش* (۱۹۱۵) است که به عنوان اولین فیلم بلند گنگستری، به همراه اولین شخصیت‌پردازی پیچیده برای ضدقهرمان مجرم، شناخته می‌شود. در این فیلم، بی‌قانونی خشونت‌آمیز خیابان‌های نیویورک و رشد پسر یتیم زاغه‌نشین آمریکایی-اتریشی‌ای به نام اوون کانوی را به تصویر کشیده می‌شود. این پسر بزرگ می‌شود و به دلیل شرایط اجتماعی سرکوب‌کنندهٔ محیط

اطرافش، تبدیل به یک گانگستر می‌شود؛ اما پس از دل بستن به یک مددکار اجتماعی خَپِر، به نام مری دییرینگ، «بازرایی» می‌شود.

در ادامه، دهۀ ۱۹۲۰، دورۀ شهرهای چرکین و پرجمعیت، با گسترش غیرقانونی فروش مشروبات الکلی قاچاق و فساد است. این دوره با رشد جنایت‌های سازمان‌یافتۀ گنگسترها، زمان مناسبی برای شکوفا شدن ژانر جنایی بود.

فیلم‌های جنایی اکسپرسیونیستی آلمان

روبرت وینه، فردریک ویلهلم مورناتو و فریتس لانگ، سه کارگردان آلمانی بودند که فیلم‌های جنایی سیاه و سفید اکسپرسیونیستی می‌ساختند و برای نورپردازی کیاروسکورو، نماهای زاویه‌دار و شخصیت‌های هیولاوار (مثل دکتر یا دانشمند دیوانه و یا افراد دیوانه) شایان توجهند.

مطب دکتر کالیگاری (۱۹۲۰) به کارگردانی روبرت وینه، داستان یک روان‌درمانگر هیپنوتیزم‌کنندۀ شبح‌مانند، به نام دکتر کالیگاری را در محوطۀ یک کارناوال بازگو می‌کند. او از قدرت هیپنوتیزم و بازیگر خواب‌گردی به نام سزار استفاده می‌کند تا به جرم و جنابت بپردازد. این فیلم مهم و تأثیرگذار سینما، تصاویر تاریک، آشفته‌کننده، اعوجاج یافته و کابوس‌واری از کالیگاری ترسناک را، به همراه گذرگاه‌های درهم‌پیچیده، اتاق‌های تنگ و شلوغ، ساختمان‌های کژ و مناظر مورب نشان می‌دهد.

فریتس لانگ، همچنین فیلم‌های جنایی صامت مهمی ساخته است؛ مثل سری فیلم‌های دکتر ماربوزه که حول شخصیتی نابغه می‌چرخد: *دکتر ماربوزۀ قمارباز* (۱۹۲۲)، *آخرین وصیت‌نامۀ دکتر ماربوزه* (۱۹۳۳) و *هزار چشم دکتر ماربوزه* (۱۹۶۰).

فیلم‌های گانگستری دورۀ ناطق

با آغاز دورۀ ناطق و دهۀ ۱۹۳۰، فیلم‌های گانگستری، بین مخاطبان علاقه‌مند به دیدن بی‌قانونی و خشونت روی پردۀ نمایش، پرطرفدار شدند. اتفاقات دورۀ ممنوعیت فروش مشروبات الکلی (تا ۱۹۳۳) مثل فروش غیرقانونی، کشتار روز سنت ولنتاین، حضور گانگسترهای واقعی، رشد جنایت‌های سازمان‌یافته و تشدید خشونت‌های خیابانی، به پیشرفت این ژانر بسیار کمک کرد. همانطور که بسیاری از داستان‌های اغراق‌آمیز فیلم‌های گانگستری اولیه، از تیتر روزنامه‌های روز گرفته می‌شد. در طرف دیگر قضیه نیز مجریان قانون بودند که توسط جی. ادگار هوور از اف‌بی‌آی رهبری می‌شدند.

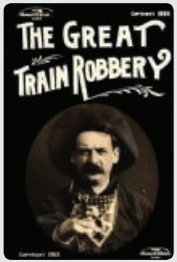

اولین فیلم گانگستری ناطق، *چراغ‌های ناطق* (۱۹۲۸) بود که باعث ارتقای درام‌های گانگستری آن زمان با دیالوگ‌ها و جلوه‌های صوتی هیجان‌انگیز مانند جیغ تایر ماشین‌های در حال فرار و تیراندازی، شد. فیلم خشونت‌آمیز *آدم‌های ناجور* (۱۹۳۱)، به کارگردانی تی گارنت، اولین فیلمی بود که کشتار اعضای باند خلافکاران در روز ولنتاین را نشان داد.

نمونه فیلم های کوتاه این ژانر

جک چه کرد؟
What Did Jack Do
David Lynch
2017

گوشت
Carne
Gaspar Noé
1991

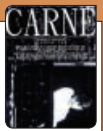

موشک شیشه‌ای
Bottle Rocket
Wes Anderson
1994

فیلم‌های گانگستری کلاسیک برادران وارنر

برادران وارنر یک استودیوی فیلم‌های گانگستری تمام عیار محسوب می‌شود. *سزار کوچک* (۱۹۳۰) به کارگردانی مروین لروی، *دشمن مردم* (۱۹۳۱) به کارگردانی ویلیام ولمن و *صورت زخمی: شرم یک ملت* (۱۹۳۲) به کارگردانی هاوارد هاکس، سه کلاسیک گانگستری برجسته بودند که موجی از فیلم‌های گانگستری را در دهۀ ۱۹۳۰ آغاز کردند. نقش اصلی این فیلم‌ها، مجرم یا گانگستری بود که به قله‌های رذالت و قدرت می‌رسید؛ اما همیشه، در صحنۀ خشونت‌آمیز پایانی فیلم، به سرنوشت شومی که سزاوارش بود، دچار می‌شد (به دلیل اینکه سانسور ایجاب می‌کرد شخصیت‌های منفی برای جنایت‌هایشان، مجازات شوند).

فیلم‌های جنایی روانشناختی هیچکاک

در اوسط قرن، آلفرد هیچکاک، با سری فیلم‌های تریلر روانشناختی‌اش، کمک بزرگی به ژانر جنایی کرد. هیچکاک در فیلم معمایی روانشناختی *طلسم‌شده* (۱۹۴۶)، از نظریۀ فروید و دیگر عناصر روانشناختی برای افزایش تعلیق استفاده کرد. از دیگر فیلم‌های هیچکاک، که در آن‌ها شخصیت‌های آشفته و غیرطبیعی به سمت ارتکاب جرم منتهی می‌شوند، می‌توان به *سایۀ یک شک* (۱۹۴۳)، *طناب* (۱۹۴۸)، *غریبه‌ها در قطار* (۱۹۵۱)، *ام را به نشانۀ مرگ بگیر* (۱۹۵۴)، *پنجرۀ پشتی* (۱۹۵۴)، *سرگیجه* (۱۹۵۸)، *شمال از شمال غربی* (۱۹۵۹) و *روانی* (۱۹۶۰) اشاره کرد.

نمونه‌های متأخرتر فیلم‌های جنایی

مارتین اسکورسیزی، از کارگردان‌های معاصریست که در فیلم‌هایش به پیوندهای خانوادگی‌ای که توسط جنایت‌هایی غیرقابل پیش‌بینی از هم گسیخته می‌شوند، می‌پردازد. ستارۀ فیلم‌هایش اغلب رابرت دنیرو است. از فیلم‌های جنایی او می‌توان به *خیابان‌های پایین شهر* (۱۹۷۳)، *رفقای خوب* (۱۹۹۰)، *کازینو* (۱۹۹۵)، *راننده تاکسی* (۱۹۷۶)، *گاو خشمگین* (۱۹۸۰)، *تنگۀ وحشت* (۱۹۹۱)، *دار و دسته‌های نیویورکی* (۲۰۰۲) و *رفتگان* (۲۰۰۶) اشاره کرد.

در اوایل دهۀ ۹۰، کوئنتین تارانتینوی جوان نخستین فیلمش یعنی *سگ‌های انباری* (۱۹۹۳) را نوشت و کارگردانی کرد که در آن شش دزد برای سرقت الماس استخدام می‌شوند. او سپس ترکیب طنز و خشونت را در فیلم پرطرفدار و مورد تحسین منتقدان، *داستان عامه‌پسند* (۱۹۹۴)، به کمال رساند. از دیگر فیلم‌های جنایی متأخر می‌توان *سکوت برده‌ها* (۱۹۹۱)، *هفت* (۱۹۹۵)، *روانی آمریکایی* (۲۰۰۰) و *رانندگی* (۲۰۱۱) را نام برد.

ادغام فیلم‌های جنایی و فیلم‌های نوآر در دهۀ ۱۹۴۰

در دهۀ ۴۰ و دوران پس از جنگ، فیلم‌های جنایی تاریک‌تر، بی‌رحمانه‌تر و خشن‌تر شدند و بسیاری از آن‌ها در واقع فیلم‌های نوآر بودند. بعد از جنگ جهانی دوم، گانگسترها اغلب به عنوان تاجرانی به نمایش در می‌آمدند که شرکت‌ها و گروه‌های بزرگ و فاسدی را اداره می‌کردند. اولین فیلمی که این تغییرات را به تصویر درآورد، بایرون هاسکین در *تنهایی قدم می‌زنم* (۱۹۴۸) بود. فیلم‌های جنایی با نوآر ترکیب شدند و داستان قهرمان‌هایی که محکوم به فنا هستند را با شیوۀ اکسپرسیونیستی بیان کردند. از شخصیت‌های گانگستر به یاد ماندنی فیلم‌های نوآر می‌توان به الن لاد در *This Gun for Hire* (۱۹۴۲) و جیمز کاگنی در *اوج التهاب* (۱۹۴۹) اشاره کرد.

منابع
filmsite.org
NFI.edu

ترجمه و گردآوری
مریم ابولحسنی

یادداشت‌هایی دربارهٔ ساختـار فیلم کوتـاه

| بخش پنجم |

۱

| پرویز جاهد |

فیلم تداعی‌گر ممکن است مثل یک قطعه شعر، کاملاً فاقد چارچوب باشد یا ساختار آزادی داشته باشد. بسیاری از فیلم‌های تداعی‌گر الگوی خاص خود را دارند و اغلب پیچیده و خیال انگیزند. فیلمساز، از نشانه‌ها و کُدهای تصویری و صوتی استفاده می‌کند تا مفاهیم ذهنی خود را به بیننده منتقل کند؛ بیرون کشیدن آن مفاهیم به عهده بیننده است. یک صحنهٔ خوب تداعی‌گر مثل یک شعر خوب، این امکان را به مخاطبان گوناگون می‌دهد که برداشت‌ها و تأویل‌های منحصر به فردی از آن داشته باشند.

بوردول، از فیلم «کویانیس کاتسی» ساخته گادفری رجیو، به عنوان نمونه‌ای از یک فیلم شاعرانهٔ تداعی‌گر نام می‌برد. این فیلم از نماهای مختلفی، از چیزهایی کاملاً متفاوت مثل تپه ها، هواپیماها، متروها، ابرها، اتومبیل‌ها، موشک‌ها، کارخانه‌ها و عابرین پیاده که درگذرند، ساخته شده است. در صحنه‌ای از فیلم، دسته‌ای از سوسک‌ها را می‌بینیم که از یک ماشین بیرون می‌ریزند؛ بعد قطع می‌شود به نماهایی از یک پله برقی. این همجواری نماها، فاقد ارتباط‌های روایی و علت و معلولی‌اند؛ اما نماها در کل، حسی از روزمرگی را به بیننده منتقل می‌کنند. در واقع فیلمساز بین چیزهای نامشابه، تداعی ایجاد می‌کند. کریستین متز، نشانه‌شناس و نظریه‌پرداز فیلم، ادعا می‌کرد که فیلم بلند داستانی نمی‌تواند شاعرانه باشد و فقط فیلم‌های کوتاه داستانی مثل «برلین، سمفونی شهر بزرگ» ساخته والتر روتمن یا «ریتم شهر» ساخته ساکسدورف را، به عنوان فیلم‌های شاعرانه، در نظر می‌گرفت. به اعتقاد او ویژگی خاص یک شعر این است که برخلاف رمان، خط داستانی وجود ندارد و بیننده این امکان را دارد که آن را هر طور که می‌خواهد، تخیل و تفسیر کند.

«نمرهٔ اخلاق صفر» ساختهٔ ژان ویگو نیز یکی دیگر از فیلم‌های کوتاه شاعرانهٔ پیشرو، و از شاهکارهای سینمای فرانسه است. از آن نوع فیلم‌هایی که عنوان شاعرانه دقیقاً برای آنها ساخته شده، درست مثل «بادکنک قرمز» آلبر لاموریس. آلن ویلیامز آن را «یکی از شاهکارهای اصیل سینمای جهان» نامیده است. اولین فیلم داستانی ژان ویگو که آن را بر اساس تجربیات تلخ خود در مدرسهٔ شبانه روزی و خصومت شدید و پایدار بین مسئولان مدرسه و شاگردان ساخت و درونمایهٔ آن از طرف اداره سانسور فرانسه، تحریک کننده تشخیص داده شد و بلافاصله پس از

Christian Metz

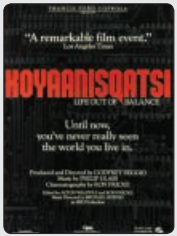

Koyaanisqatsi

اولین نمایش آن در فرانسه ممنوع شد و تا سال ۱۹۴۵ دیگر نمایش داده نشد. «نمرهٔ اخلاق صفر»، شامل استراتژی‌های فرمالی بود که بعداً توسط بسیاری از فیلمسازان موج نوی اروپایی استفاده شد. به عنوان مثال، ساختاری اپیزودیک داشت، از دیالوگ کم استفاده می کرد، بازیگران نوجوان آن همه از نابازیگرها یا بازیگرهای غیرحرفه‌ای بودند و پر از نماهای آبستره و سورئال بود؛ مانند زمانی که یک توپ به‌طور جادویی ناپدید شده و دوباره به صورت یک نقاشی خط متحرک ظاهر می‌شود.

نقد فیلم
Movie Review

٤ دربارهٔ رو به شب | نفوذی

احسان طهماسبی: سعید کشاورز در *رو به شب* قصد دارد بر مبنای توصیف الیا کازان در کارگردانی، روانشناسی را به رفتار تبدیل کند و از میان تمام جزییاتی که به ذهنش متبادر می‌شود، تنها از جزئیات محدودی که به بهترین شکل می‌توانند به جوهره کار کمک کنند استفاده کند. هرچند که همین تزریق زمان‌بندی‌شدهٔ اطلاعات به فیلم، او و احسان احمدی را به وسواسی در چیدمان عناصر فیلمنامه و استفاده از استراتژی‌های بصری‌سازی و دراماتیک انداخته که از تأثیر نتیجه نهایی فیلم کاسته است. *رو به شب* که به سبک فیلم‌های ژانر جنایی، لیلا را _در مقام کارآگاهی که دست بر قضا با اتوپسی جنازهٔ دخترعموی دیریافته‌اش، سعی در کشف حقیقت دارد_ روانهٔ زادگاه پدری می‌کند، و سعی دارد در نمایش تقابل آنتاگونیست (که چهره پنهانش تا دقایق پایانی فیلم برای بیننده افشا نمی‌شود) با پروتاگونیست، در نبردی بدون کشمکش، ضدقهرمان را به‌عنوان پیروز میدان معرفی می‌کند و در راستای همذات‌پنداری مخاطب با نیروی شر، ماجرای بی‌آبرویی و دورافتادگی او را به میان می‌آورد. در واقع و هرچند غیرعامدانه، این اتفاق در نقش تسریع‌کننده در ذهن مخاطب رنج‌کشیده و دردآگاه، می‌تواند سویه‌ای حق به جانب و آسمانی به همراه آورد و در تفهیم و تقویت عقاید کرمن (karman) او را حتی برای لحظاتی هم شده با بدمن فیلم همراه کند. رویکردی که در سکانس پایانی و در لانگ شات خروج لیلا از قبرستان، از ذهن و روان مخاطب محو می‌شود.

سعید کشاورز | کارگردان

۵ | دربارهٔ جناکات | سایه‌های نوآر روی هشتی و طاقی و رواق

سید عطاالله مجابی | کارگردان

◂ **فاطمه ترکاشوند:** اگر دو جلد چندصدصفحه‌ای از رمان قطور «جنایت و مکافات»، اثر جاودان داستایوفسکی را فشرده کنیم، از موقعیت مرکزی می‌ماند یک قتل، از شخصیت‌ها می‌ماند راسکولنیکف و پیرزن، و از ماجرا هم یک جدال اخلاقی. کاری که «جناکات» به خوبی انجام می‌دهد اما به آن قانع نمی‌شود؛ بالا می‌رود تا به انتقال فضای روانی انباشته از عذاب وجدان شخصیت اصلی نزدیک شود و حال‌وهوای جنایی داستان را که به نورپردازی نئونوآر بسیار نزدیک است، بازپرداخت کند. تماشای این جنس نورپردازی با سایه‌های بلند و غلیظ و تیز که روی دیوارهای دفرمه‌شده در پرسپکتیو زوایای نامأنوس و لنزهای غیرنرمال دوربین، لیز می‌خورند حالا در هشتی‌ها و دهلیزها و طاقی‌های معماری ایرانی، تجربه‌ای تازه و غیرمألوف خلق می‌کند که مخاطب را با خود به درون داستان می‌کشد. جایی که قرار است در اخلاقی بودن یا نبودن قتل پیزنی ثروتمند به دست جوانی نیازمند، سرگردان شود و همراه راسکولنیکف، حتی اگر قتل را عادلانه بداند، در هجوم عذاب وجدان اخلاقی بمیرد. کنتراست رنگ قرمز جوجه‌های هشدار که به جای فم‌فتال نشانده شده، بر همراهی مؤلف با قضاوت اخلاقی دربارهٔ یک قتل به‌ظاهر عادلانه، تأکید می‌گذارد و کنش انتقام‌جویانهٔ نهایی بر آن مهر تأیید می‌زند. «جناکات» اثری موفق در اقتباسی کوتاه از یک رمان بلند است که بی‌هیچ کلامی، قصه‌ای سراست می‌گوید و فضای بدیع و خلاقانه با لحنی گه‌گاه حتی طنز در عین تناسب با داستان خلق می‌کند؛ پیوندی میان ادبیات روسیهٔ قرن نوزدهم، سینمای نیمهٔ قرن بیستم آمریکا و معماری سنتی ایرانی.

۶ | دربارهٔ ساختن فیلم کوتاه

پاسکال پینت
فیلمساز و تدوینگر

فکر می‌کنم وقتی زمان (پیدا کردن) سرمایه‌گذار فرا می‌رسد، ایده‌ی خوبی است (که فیلم کوتاه بسازید)زمانی که مثلاً پیش‌زمینهٔ بزرگی از فیلمی که قبلاً انجام داده‌اید، ندارید؛ پیشنهاد می‌کنم حداقل یک فیلم کوتاه عالی از یک صحنه یا مفهوم یا هر چیز دیگری از آن بسازید. مثل اینکه ایدهٔ کلی‌ای در مورد آن وجود دارد، اما شاید یک نسخهٔ ده دقیقه ای از فیلم یا چیزی شبیه به آن. و سپس آن را به سرمایه‌گذاران نشان دهید. این واقعاً به آن‌ها می‌گوید که سبک کارگردانی شما چیست. سپس می‌توانید بگویید اگر پول بیشتری داشته باشیم، می‌توانیم این کار را انجام دهیم. بنابراین حداقل اگر چیزی به آن‌ها نشان دهید، واقعاً کمک زیادی خواهد کرد. بعد از آن، شما باید برنامه‌ریزی کار خود را پیش ببرید؛ زیرا سروکار آنها با اعداد است. اما برای ساختن فیلم بلند، فکر می‌کنم بستگی دارد. برای من مثلاً وقتی مفهومی در ذهن دارم که می‌خواهم با آن کار کنم و دوستش دارم آن را فیلم کوتاه می‌کنم. مطمئناً آن (فیلم کوتاه) دربارهٔ فیلم بلند بعدی من خواهد بود. بنابراین باز هم، گاهی اوقات امتحان کردن تکنیک‌های جدید و مواردی از این دست اتفاقات خوشحال کننده‌ای هستند. اما من توصیه می‌کنم اگر در تلاش برای جذب سرمایه‌گذار هستید و کار زیادی ندارید، حداقل یک نسخهٔ کوتاه شده از آن را انجام دهید تا به آن‌ها کمک کنید تا آن‌چه را که می‌خواهید انجام دهید، تجسم کنند.

◂ مترجم: محمد رنجی

نقد کوتاه

همکاران ویژه نامه
پرویز جاهد | رامتین شهبازی | عرفان ناظر | سعید خیراله | احسان طهماسبی | محمد رنجی
علی سعادتمند | مریم ابوالحسنی | میثم شیخی | فاطمه ترکاشوند | کیمیا شهریه